

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید
۲۱ دسمبر ۲۰۱۶

قیس عزیز و محترم،

مثلی که شما محترم مقاله را به درستی و با حواس جمع نخوانده اید. یک بار دیگر مقاله را بخوانید، بدون پیش داوری ها و بدون خوشبینی و بدبینی نسبت به من یا کسانی دیگر. اگر شما یا کسانی که در کنار شما هستند، آنچه را که شما محترم در اعتراضیه تان نوشته کرده اید در آن نوشته یافتند، یعنی این را پیدا کردند که من گفته باشم *اسم پوهنتون به دانشگاه تبدیل شود*، یا نوشته باشم که *"چرا باید اسم پوهنتون را به دانشگاه تبدیل کرد"*، به عنوان یک مدرک به من و به خوانندگان خویش بنویسید، حتی اگر یک اشاره یا یک عبارت و یا یک جمله باشد. در غیر آن اخلاقاً باید بپذیرید که بسیاری از ادعا های تان مانند همین ادعای تان نه مایه دارد و نه پایه.

من به موضوع زبان و تهاجم فرهنگی و یک سلسله حرف های دیگر به این ارتباط، از بُعدی کاملاً تازه ای نگاه کرده ام؛ از بعدی که تا کنون هیچ افغانی به آن نگاه نکرده است. من می دانم که شما برای داغ ساختن بحث ها در کلکینچه نظرخواهی برای بالا رفتن کلک به هر کاری دست می زنید، اما آیا در برابر آن همه سالی که تحصیل کرده اید و در برابر عملی که آموختید، بگذریم از مسؤولیت در برابر حقیقت و حقیقت پذیری، فکر نمی کنید که مسؤولیتی هم دارید؟ چرا روی همه واقعیتهائی که در نوشته من وجود دارد خط بطلان می کشید، صرف برای این که لجام از دهن چهار تا آدم هار و بی کار بردارید و باز یک بحث را که شما هم می دانید به جایی نخواهد رسید، چون انصاف در این میان مفقود است، به راه اندازید. حوصله آن را هم ندارید که نوشته های مخالفان تان را در دریچه نظرخواهی سایت تان نشر کنید.

نوشته می کنید: "تغییر اسم و یا نام هیچگاه نمی تواند، گراد علمی یک مرکز علمی را تحت تأثیر مثبت یا منفی خود قرار دهد..." اولاً از یکی از چهار مطلبی که من در آن نوشته می خواستم با تأکید به عرض خوانندگان محترم برسانم، همین مطلبی ست که شما محترم روی آن انگشت گذاشته اید. ثانیاً، من نفهمیدم که منظور تان از "گراد" چه است؟ آیا این کلمه "دری" است؟ اگر نه؛ آیا معادل این کلمه در زبان دری وجود ندارد؟ اگر وجود دارد چه ضرورتی است که شما، یکی از طرفداران بسیار متعصب استفاده از کلمات سچه دری (!)، آن را به شکلی که اصلاً با آوای اصلی آن هیچ شباهتی ندارد به کار برده اید. امید است قاموسی را که زیر دست دارید با این چنین ضعف ها بیرون نکشید. ثالثاً باز هم، و با منتهای فروتنی از شما محترم خواهش دارم که به من و به آنانی که نوشته شما و این نوشته را می خوانند، آن عبارت یا جمله ای را که من طی آن گفته باشم که این یا آن اسم به جای این یا آن اسم انتخاب شود، نشان بدهید. منتظرم!

در مورد این که من چرا صفحات کامپیوتر (منظور شاید سایت ها باشد) را پر می کنم، پنج نکته را می خواهم بیان کنم: یکی این که هر قلم زن خواننده های خود را دارد. شاید نوشته های من طرف تأیید شما نباشند، اما هستند کسانی که آن ها را با میل و اشتیاق می خوانند و آرزوی نشر آن را دارند. اگر این مقاله ها طرف توجه شما محترم قرار نمی گیرد، به خود زحمت ندهید و وقت گرانبهای تان را صرف خواندن آن نکنید. سوم شما با ابراز این نظر به کسانی اهانت می کنید که این مقاله ها را در سایت های شان نشر می کنند. اطمینان دارم که این افراد، گردانندگان سه سایت، از شغل و مسلک تان که بگذریم، در مسائل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و فلسفی و دینی و اقتصادی خیلی بیشتر از شما وارد هستند. بدون تردید هر یک از این ها می دانند که چه را باید نشر کنند و چه را باید نشر نکنند، به خصوص آقای "نوری" که شدیداً مخالف کاربرد کلمه دانشگاه به جای پوهنتون هستند! آقای "الم" چندین کتاب سیاسی سنگین و معتبر را با دقت و زیبایی تمام ترجمه نموده اند و در مورد فهم سیاسی - اجتماعی و فرهنگی و اطلاعات عمیق و گسترده دینی - مذهبی آقای "موسوی" بدون اغراق کسی یافت نمی شود که آن را انکار کند. چهارم شما با طرح این سؤال، بر کنار از این که می خواهید پر و بال مرغ اندیشه آزاد من را با مقرض خودکامگی کوتاه کنید، از کسان دیگری که شاید با شما هم نظر نباشند، بدون گرفتن رأی آن ها، نمایندگی کنید. شاید به این مسأله فکر تان قد نداده است که امروز مردم به حدی از دانش رسیده اند که به نمایندگی کسی محتاج نیستند. و اگر خواسته باشند چیزی بنویسند، قلم به دست می گیرند و می نویسند، هر چه را که در سینه دارند. خیر است؛ از خرد ها لغزیدن از بزرگ ها بخشیدن! و پنجم؛ شما محترم باید از این غلط فهمی بیرون بیائید که با تدوین یک لغتنامه حق دارید بر عرصه زبان و فرهنگ و ادب حکمرانی کنید و حق دیگران سلب نمائید! اگر تدوین یک لغتنامه چنین حقی را به کسی می داد، امروز همه کسانی که سال ها نشسته و دود چراغ خورده و کار فرهنگی نموده و دیوان ها و فرهنگ ها را به وجود آورده اند چنین ادعائی را عنوان می کردند، ولی هیچ کدام مانند شما با باده سر نکشیده، یا سر کشیده، دست به چنان کاری نزده اند.

از این هم که بگذریم، مگر شما محترم متوجه نشده اید که من حداقل در سه جا نوشته ام که مردم ما به این کلمه "پوهنتون" می گویند؟ از جمله در جایی نوشته ام: "... یک محل خاص، که در آن دانش و علم فرا می گیرند، و ما بدان پوهنتون می گوئیم..."

از شما محترم می خواهم "ما"ئی را که من در عبارت فوق به کار برده ام، از نظر مفهوم و معنا، همچنان از نظر منظوری که من از بیان آن داشته ام، تفسیر کنید. آیا این عبارت حاوی این مطلب نیست که من کلمه پوهنتون را، هر چند ملاحظاتی در پیدایش و علل آن دارم، به عنوان یک کلمه قبول شده در زبان خویش پذیرفته ام؟

نکته دیگر استعمال کلمه تمایز است. منظور از تمایز، تمایز لفظی نیست، آقای قیس کبیر! از سر تالی پای نوشته، بحث بر سر نبود تمایز در هدف و اعتبار تدریس در مکان هائی است که در یکجا یونیورسیتی و در جای دیگر دانشگاه و در جای دیگر هم پوهنتون و... نامیده می شود؛ همان گونه که شما محترم نیز نوشته می کنید: "تغییر اسم و یا نام هیچگاه نمی تواند، گراد علمی یک مرکز علمی را تحت تأثیر مثبت و یا منفی خود قرار دهد..."، و چه مثال جالبی هم داده اید؛ نام و شخصیت یک انسان!! بلی ممکن است ده انسان با آن که دارای نام های مختلف باشند، همه یا راستگوی باشند و یا دروغگوی. اسمای کانون های تحصیلی هم همینطور؛ ممکن فرق کنند، ولی قصد از به وجود آمدن شان یکی ست. پیام من در آن نوشته، اگر آن را دقیق بخوانید، البته یکی از پیام ها، هم همین است!

در اخیر می خواهم با اجازه شما از شما یک سؤال کنم: در نوشته هائی که در پورتال شما نشر می شوند بار ها دیده شده است که لغات تولید شده در فابریکه های تولید لغات کشور ایران به وفرت به کار می روند، چند مثالی هم در نوشته من که مورد نقد جناب شما قرار گرفته است، داده شده است. سؤال این است که شما تنها با کلمه "دانشگاه" سر سازش

ندارید، یا با همه ساخته های زبانی ایرانیان؟ اگر با همه ساخته های زبانی آن ها سر سازگاری ندارید، چرا مانند آقای "نوری" آن ها را از نوشته هائی که به شما می رسند، حذف نمی کنید و به جای آن لغات سچۀ دری را به کار نمی برید؟ چرا از میان صد ها کلمه تنها با یک کلمه دشمنی دارید؟ من می خواهم بنیاد منطقی این دشمنی را در حالی که صد ها کلمۀ دیگر ساخت ایران را با آن که معادل آن در زبان دری موجود است با آغوش باز می پذیرید، بدانم.

برای بستن زبان لُق کوتاه فکران و مغرضان باید گفته شود که این سؤال تنها برای دانستن منطقی است که شما را وادار به این کار نموده است؛ نه اصرار به این که شما حتماً دانشگاه را به جای پوهنتون بپذیرید و به کار ببرید! بین این دو خواسته فکر می کنم که فرقی موجود است؛ همینطور نیست؟

به هر روی، ممنون از این که درد دل تان را نوشتید، در مورد نوشته های من هر کسی که قصد نقد را داشته باشد، می تواند نظرش را بنویسد، منتها باید نقد باشد، نه مغشوش ساختن یک مطلب یا به اصطلاح مردم عوام "سنگ را ده دبه انداختن" یا چهار نفر را دست به گریبان ساختن!

پیروز و بهروز باشید

۲۰۱۶/۱۲/۲۰